

بانو مکبث زن عاشق



فلورنس پوگ (Florence Pugh) در نقش کاترین. فیلم بانو مکبث، ساخته‌ی ویلیام آلدروید (William Oldroyd)

فیلم 'بانو مکبث از ناحیه متسنسک' بر اساس داستان کوتاهی به همین نام از نیکلای لسکوفس (Nikolaj Leskovs)، چاپ سال ۱۸۶۵؛ ترکیبی است از سه شخصیت ادبی: شخصیت قدرت‌طلب نمایش‌نامه‌ی شکسپیر، زن داستان دی.اچ. لارنس که شور کامخواهی با یک کارگر دارد و زن جادوگر اورپید که از انتقام‌جویی فرزندان خود می‌کشد. این سه زن – بانو مکبث، کنستانس چاترلی و مدها – با زیرپا گذاشتن مرز و اعتراض به هنجارهای مسلط به هم نزدیک‌اند. آنچه از دل این شور برمی‌آید خطرناک است: آمیزه‌ای از عشق، سکس و خشونت.

کاترین از سباستین می‌پرسد: 'دوستم داری؟ معبود تو هستم؟' همسر الکساندر، زمین‌دار انگلیسی‌ست و سباستین، مهنر شوهرش که عاشق و شیفته‌ی اوست. سال ۱۸۸۰ در منطقه‌ای روستایی. الکساندر به سفر کاری رفته است که کاترین و سباستین به هم نزدیک می‌شوند، درست مثل لیدی چاترلی و ملورس (Mellors) در 'معشوق لیدی چاترلی'. کاترین اما به اندازه‌ی شخصیت لارنس وقت زیاد عشق‌ورزی ندارد.

شور و تمنای او باید پنهان بماند، همچون خودش که ناچار است از ماندن در خانه، تا بتواند برنامه‌ریزی کند برای پایایی قدرت تازه به دست آورده. حاضر است همه کاری بکند، حتا زمانی که سر و کله‌ی پسر عموش پیدا می‌شود که تهدیدیست برای موقعیت‌اش به عنوان صاحب آن‌همه زمین و نیز رابطه‌اش با سباستین.

داستان نیکلای لسکوفس، معاصر تولستوی و داستایفسکی، در روسیه مورد غضب بود. به سال ۱۹۳۶، ژوزف استالین با دیدن اپرای شوستاکوویچ بر اساس این داستان خشمگین شد. روز بعد نقد تندى بر آن در پروادا چاپ شد. نوشته بودند که 'سلیقه‌ی مبتذل بورژوازی با همراهی موسیقی جیغ‌وار و عصبی!'

این نقد به جنبه‌ای از واقعیت اشاره داشت، زیرا داستان لسکوف لحنی بیمارگونه و گاه طنزآمیز داشت.

در نخستین فیلم ساخته‌ی ویلیام آلدروید (William Oldroyd) – کارگردان با تجربه‌ی تئاتر و اپرا – اما لحنی جدی گزیده شده است. کاترین باهوش‌تر از آن است که عصبی باشد، و قوی‌تر از آن که به ابتذال تن در دهد.

تصویربرداری دوربین ثابت با چارچوب و ترکیب‌بندی دقیق، مرزهای جهان او را به زیبایی و دقت بازآفرینی می‌کند. شور او به جهان بیرون، به 'چیزهای طبیعی' از مادر به او رسیده است. بیرون همان‌جاییست که آن ممنوع یافت می‌شود: سباستین، قارچ که می‌توانی باش سوپ درست کنی (تا اورپید بیاید به تماشا) و خاک که تن می‌توانی به زیرش بسپاری. کاترین به 'بیرون' نیاز دارد تا آزادی‌اش را بیابد.

لذت بانو مکبث در شکل دادن زیبای موضوع آزادی و طرح زدن قوی به نمایشیست که بازی‌گر جوان خوب از عهده‌اش برآمده است. نقش زن فریب‌انگیز را چنان خوب بازی کرده که سایه‌ی هر سه شخصیت از ادبیات را در او

می‌بینیم. شخصیتِ مرد در جایی از داستان می‌گوید 'او خودِ بیماری‌ست'. درست می‌گوید، زیرا بانو مکبث که ببینی،
چه زن باشی چه مرد، لذت می‌بری.